

# ترجمه اربعین نووی

تألیف:

امام ابوزکریا یحیی بن شرف نووی

وفات: ۶۷۶ هـ ق

ترجمه:

واحد ترجمه و پژوهش مدرسه امیریه

سید عبدالرحمن قریشی زاده

سید صالح تختدار

مدرسه امیریه

جزیره قشم - گیاهدان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# ترجمه اربعين نووی

تألیف:

امام ابوزکریا یحیی بن شرف نووی

وفات: ۶۷۶ هـ ق

ترجمه:

واحد ترجمه و پژوهش مدرسه امیریه

سید عبدالرحمن قریشی زاده

سید صالح تخت دار

مدرسه امیریه

جزیره قشم - گیاهدان



## فهرست

- ۹.....مقدمه:
- ۱۱.....حدیث اول:
- ۱۲.....حدیث دوم:
- ۱۵.....حدیث سوم:
- ۱۶.....حدیث چهارم:
- ۱۸.....حدیث پنجم:
- ۱۹.....حدیث ششم:
- ۲۱.....حدیث هفتم:
- ۲۲.....حدیث هشتم:
- ۲۳.....حدیث نهم:
- ۲۴.....حدیث دهم:
- ۲۶.....حدیث یازدهم:
- ۲۷.....حدیث دوازدهم:
- ۲۸.....حدیث سیزدهم:
- ۲۹.....حدیث چهاردهم:
- ۳۰.....حدیث پانزدهم:
- ۳۱.....حدیث شانزدهم:
- ۳۲.....حدیث هفدهم:
- ۳۳.....حدیث هجدهم:
- ۳۴.....حدیث نوزدهم:

- ۳۶..... حدیث بیستم: .....
- ۳۷..... حدیث بیست و یکم: .....
- ۳۸..... حدیث بیست و دوم: .....
- ۳۹..... حدیث بیست و سوم: .....
- ۴۰..... حدیث بیست و چهارم: .....
- ۴۳..... حدیث بیست و پنجم: .....
- ۴۵..... حدیث بیست و ششم: .....
- ۴۶..... حدیث بیست و هفتم: .....
- ۴۷..... حدیث بیست و هشتم: .....
- ۴۸..... حدیث بیست و نهم: .....
- ۵۰..... حدیث سی ام: .....
- ۵۱..... حدیث سی و یکم: .....
- ۵۲..... حدیث سی و دوم: .....
- ۵۳..... حدیث سی و سوم: .....
- ۵۴..... حدیث سی و چهارم: .....
- ۵۵..... حدیث سی و پنجم: .....
- ۵۶..... حدیث سی و ششم: .....
- ۵۸..... حدیث سی و هفتم: .....
- ۶۰..... حدیث سی و هشتم: .....
- ۶۱..... حدیث سی و نهم: .....
- ۶۲..... حدیث چهلیم: .....

حدیث چهل و یکم: ..... ۶۳

حدیث چهل و دوم: ..... ۶۴





## مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ  
أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

کتابی که در پیش رو دارید یکی از مجموعه کتابهایی است که برای دانش‌آموزان از کلاس چهارم ابتدائی تا نهم متوسطه تهیه و تنظیم شده است. در طول این مدت، دانش‌آموز علاوه بر این که با مقداری از تفسیر، فقه، عقیده، سیرت، فن ترجمه و صرف و نحو آشنا می‌شود، در علم حدیث کتاب‌های ذیل را با ترجمه و تشخیص کلمات از حفظ می‌نماید:

۱. الأنوار فی الأحادیث القصار ۱ [چهل حدیث].

۲. الأنوار فی الأحادیث القصار ۲ [چهل حدیث].

۳. الأنوار فی الأحادیث القصار ۳ [چهل حدیث].

۴. أربعين نووی [چهل و دو حدیث].

۵. گزیده‌ای از ادب المفرد [شصت حدیث].

۶. قطف الأزهار من ریاض الصالحین [هفتصد و سی حدیث]

از الله عزوجل خواستارم در این مجموعه، برکتی قرار دهد که دانش‌آموزان از آن بهره‌ی کافی ببرند و علم و دانشی را به آنان ارزانی بدارد که سبب نجات آنان از دوزخ و ورود آنان به بهشت شود.

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَإِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ  
الْوَكِيلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا  
مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَسَلَّمَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

سید مسلم تخت‌دار

مدرسه امیریه، جزیره قشم - گیاهدان

۱۳۹۹/۳/۲



## الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِي حَفْصِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ قَالَ:  
از امیرالمومنین، ابوحفص، عمر بن خطاب، - خداوند متعال از او راضی  
باد - [روایت شده که] گفت:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

شنیدم رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

[۱] إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، [۲] وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَى، [۳] فَمَنْ كَانَتْ  
هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ [۴] فَهِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ [۵] وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ  
لِدُنْيَا يُصِيبُهَا، [۶] أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا، [۷] فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ.

[۱] قطعا اعمال بستگی به نیتها دارد [۲] و قطعا برای هر شخص  
است آنچه نیت کند [۳] پس کسی که هجرتش بسوی خدا و رسولش باشد  
[۴] پس [پاداش] هجرتش بسوی خدا و رسولش است [۵] و کسی که  
هجرتش برای دنیا باشد آن را بدست می آورد [۶] یا [هجرتش بسوی] زنی  
[باشد] با او نکاح می کند [۷] پس هجرتش بسوی چیزی است که بسوی  
آن هجرت کند.

[۸] رَوَاهُ إِمَامَا الْمُحَدِّثِينَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ  
الْمُغِيرَةَ بْنِ بَرْدِزْبَةَ الْبَخَارِيُّ، [۹] وَأَبُو الْحُسَيْنِ مُسْلِمُ بْنُ الْحَجَّاجِ بْنِ مُسْلِمِ  
الْقَشِيرِيُّ النَّيْسَابُورِيُّ: [۱۰] فِي صَحِيحَيْهِمَا اللَّذَيْنِ هُمَا أَصْحُ الْكُتُبِ  
الْمُصَنَّفَةِ.

[۸] دو امام محدث آن را روایت کرده اند: ابوعبدالله، محمد بن اسماعیل  
بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری، [۹] و ابوالحسین، مسلم بن الحجاج  
بن مسلم، قشیری، نیشابوری: [۱۰] در دو صحیح خود که آن دو،  
صحیح ترین کتاب های تصنیف شده هستند.

## الْحَدِيثُ الثَّانِي:

عَنْ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَيْضًا قَالَ:

از عمر - خداوند متعال از او راضی باد - همچنین [روایت شده که] گفت:

[۱] بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ [۲] إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ [۳] لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ [۴] وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ.

[۱] در حالی که ما نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم یک روزی نشسته بودیم [۲] ناگهان بر ما وارد شد مردی [با] لباس بسیار سفید و [با] موی بسیار سیاه [۳] بر او اثری از سفر دیده نمی شد [۴] و از ما هیچ کس او را نمی شناخت.

[۵] حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [۶] فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ [۷] وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ.

[۵] تا اینکه نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم نشست [۶] و دو زانویش را به دو زانوی ایشان تکیه داد [۷] و دو کف دستش را بر دو رانش گذاشت.

[۸] وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ [۹] فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ،

[۸] و گفت: ای محمد! از اسلام مرا خبر ده [۹] رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اسلام آنکه گواهی دهی جز الله هیچ معبودی [به حق] نیست و قطعاً محمد فرستاده‌ی خداوند است.

[۱۰] وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا [۱۱] قَالَ: صَدَقْتَ. [۱۲] قَالَ: فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ.

[۱۰] و نماز را برپاداری، و زکات را پرداخت کنی، و رمضان را روزه بگیری، و حج خانه‌ی خدا را بجا آوری اگر راهی بسوی آن در توان داری. [۱۱] گفت: راست گفتی. [۱۲] گفت: پس از او تعجب کردیم [که] از ایشان می‌پرسد و او را تصدیق می‌کند.

[۱۳] قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ [۱۴] قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ [۱۵] وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ [۱۶] قَالَ: صَدَقْتَ.

[۱۳] گفت: پس مرا خبر ده از ایمان. [۱۴] فرمود: آنکه ایمان بیاوری به خداوند، و فرشتگانش، و کتابهایش، و پیامبرانش، و روز آخرت، [۱۵] و ایمان بیاوری به قدر، خیر آن و شر آن. [۱۶] گفت: راست گفتی.

[۱۷] قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. [۱۸] قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ.

[۱۷] گفت: پس مرا خبر ده از احسان. [۱۸] فرمود: آنکه خدا را بپرستی گویا تو او را می‌بینی، پس اگر او را نمی‌بینی قطعا او تو را می‌بیند.

[۱۹] قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ. [۲۰] قَالَ: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ. [۲۱] قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَتِهَا.

[۱۹] گفت: پس مرا خبر ده از قیامت. [۲۰] فرمود: سوال شونده از آن، داناتر از سوال کننده نیست. [۲۱] گفت: پس مرا خبر ده از نشانه‌های آن.

[۲۲] قَالَ: أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا [۲۳] وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّاءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ.

[۲۲] فرمود: آنکه بزاید کنیز صاحبش را. [۲۳] و آنکه ببینی پا برهنگان، تن برهنگان، فقیران، چوپانان در ساختمان سازی زیاده روی می کنند.

[۲۴] ثُمَّ انْطَلَقَ. فَلَبِثْتُ مَلِيًّا. [۲۵] ثُمَّ قَالَ لِي: يَا عُمَرُ! أَتَدْرِي مَنْ السَّائِلُ؟ [۲۶] قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. [۲۷] قَالَ: فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۲۴] سپس رفت. پس مدتی ماندم. [۲۵] پس فرمود: ای عمر! آیا می دانی سوال کننده کیست؟ [۲۶] گفتم: خداوند و رسولش داناترند. [۲۷] فرمود: همانا او جبریل است. نزد شما آمد [تا] به شما بیاموزد دینتان را. مسلم آن را روایت کرده است.

### الْحَدِيثُ الثَّلَاثُ:

[۱] عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: [۲] سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

[۱] از ابی عبدالرحمن، عبدالله بن عمر بن خطاب، خداوند از آن دو راضی باد [روایت شده که] گفت: [۲] شنیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

[۱] بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، [۲] وَإِقَامَ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ، وَحَجَّ الْبَيْتِ، وَصَوْمَ رَمَضَانَ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَ مُسْلِمٌ.

[۱] اسلام بر پنج [چیز] بنا شده است: گواهی دادن آنکه جز خدا معبودی [به حق] نیست و قطعا محمد فرستاده‌ی خداوند است، [۲] و برپاداشتن نماز، و پرداختن زکات، و حج خانه‌ی خدا، و روزه‌ی رمضان. بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند.



## الْحَدِيثُ الرَّابِعُ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:

از ابو عبدالرحمن عبدالله بن مسعود خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت:

[۱] حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ:

[۲] إِنَّ أَحَدَكُمْ يُجْمَعُ خَلْقُهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نُطْفَةً، [۳] ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ،

[۱] رسول الله صلى الله عليه وسلم به ما حدیث گفت، و او راستگو و

تصدیق شده است: [۲] قطعا یکی از شما خلقتش در شکم مادرش، چهل

روز نطفه جمع و تکمیل می شود، [۳] سپس مانند آن تکه خونی می شود.

[۴] ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، [۵] ثُمَّ يُرْسَلُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ، فَيَنْفُخُ فِيهِ

الرُّوحَ [۶] وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: [۷] بِكُتِبَ رِزْقُهُ وَأَجَلُهُ وَعَمَلُهُ وَشَقِيٌّ أَوْ سَعِيدٌ،

[۴] سپس مانند آن تکه گوشتی می شود. [۵] سپس خداوند بسویش

فرشته‌ای می فرستد. پس در او روح می دمد، [۶] و به چهار کلمه دستور

داده می شود: [۷] به نوشتن روزیش، و عمرش، و عملش، و شقاوت‌مندیش یا

سعادت‌مندیش.

[۸] قَوْلَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،

[۸] پس سوگند به خدایی که جز او معبودی [به حق] نیست، همانا

یکی از شما به عمل اهل بهشت عمل می کند،

[۹] حَتَّىٰ مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ، [۱۰] فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا،

[۹] تا اینکه نمی‌باشد بین او و بین بهشت مگر یک ذرع، [۱۰] پس نوشته بر او سبقت می‌گیرد و به عمل اهل دوزخ عمل می‌کند و به آن داخل می‌شود،

[۱۱] وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ [۱۲] حَتَّىٰ مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ، [۱۳] فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

[۱۱] و همانا یکی از شما به عمل اهل دوزخ عمل می‌کند [۱۲] تا اینکه نمی‌باشد بین او و بین دوزخ مگر یک ذرع، [۱۳] پس نوشته بر او سبقت می‌گیرد و به عمل اهل بهشت عمل می‌کند و به آن داخل می‌شود. بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند.

## الْحَدِيثُ الْخَامِسُ:

عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أُمِّ عَبْدِ اللَّهِ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

از ام‌المومنین، ام‌عبداللّه، عائشه، خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

[۱] مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا [۲] مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ،

[۱] کس که در امر ما این، به وجود آورد [۲] که از آن نیست پس آن

مردود است.

[۳] رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ، [۴] وَفِي رِوَايَةٍ لِمُسْلِمٍ: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ

عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ».

[۳] بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند: و در روایتی که نزد امام مسلم

است: [۴] کسی که کاری را انجام دهد که امر ما بر آن نیست پس آن

مردود است.

## الْحَدِيثُ السَّادِسُ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الثُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

از ابی عبدالله، نعمان بن بشیر خداوند از آن دو راضی باد [روایت شده] که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید:

[۱] إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ وَإِنَّ الْحَرَامَ بَيْنَ، [۲] وَبَيْنَهُمَا أُمُورٌ مُشْتَبِهَاتٌ، لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ،

[۱] همانا حلال آشکار است، و همانا حرام آشکار است، [۲] و بین آن دو، اموری مشابه است که بیش تر مردم نمی دانند،

[۳] فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ فَقَدِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ، [۴] وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ،

[۳] پس کسی که از شبهات پرهیز کرد پس برای دینش و آبرویش طلب پاکی نموده است [۴] و هرکس در شبهات واقع شد در حرام واقع می شود.

[۵] كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، [۶] أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، [۷] أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحْرَمُهُ،

[۵] مانند چوپان، [گوسفندان را] اطراف محوطه‌ی ممنوعه می چراند، نزدیک است که در آن بچرند. [۶] آگاه باشید قطعا برای هر فرمانروایی محوطه‌ی ممنوعه‌ای است، [۷] آگاه باشید قطعا محوطه‌ی ممنوعه‌ی خداوند، مُحَرَّمَاتِ اَوْسَتْ.

[۸] أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضَغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، [۹] وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، [۱۰] أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

[۸] آگاه باشید قطعا در بدن، تکه گوشتی است هرگاه اصلاح شد بدن به تمامی آن اصلاح می‌شود، [۹] و هرگاه فاسد شد جسد به تمامی آن فاسد می‌شود [۱۰] آگاه باشید که آن، قلب است. بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند.

## الْحَدِيثُ السَّابِعُ:

عَنْ أَبِي زُرَيْبَةَ تَمِيمِ الدَّارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از ابو زریبه تمیم داری خداوند متعال از او راضی باد [روایت شده] که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

[۱] الدِّينُ النَّصِيحَةُ [۲] قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: [۳] لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، وَعَامَّتِهِمْ. (رَوَاهُ مُسْلِمٌ)

[۱] دین نصیحت است [۲] گفتیم: برای چه کسی؟ فرمود: [۳] برای خداوند، و برای کتابش، و برای پیامبرش، و برای امامان مسلمانان، و همه‌ی آنان. مسلم آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ الثَّامِنُ:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از ابن عمر خداوند متعال از آن دو راضی باد همانا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

[۱] أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ [۲] حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، [۳] وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ،

[۱] امر شدم که با مردم بجنگم [۲] تا اینکه گواهی دهند که هیچ معبودی [به حق] نیست جز خداوند و قطعا محمد فرستاده‌ی خداوند است، [۳] و نماز را برپا دارند، و زکات را پرداخت کنند،

[۴] فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ، عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ، [۵] إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

[۴] پس هرگاه آن را انجام دهند خون‌هایشان و اموالشان را از من حفظ کردند [۵] مگر به حق اسلام، و حسابشان بر خداوند متعال است. بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند.

## الْحَدِيثُ التَّاسِعُ:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

از ابوهريره عبدالرحمن بن صخر خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

[۱] مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَاجْتَنِبُوهُ، [۲] وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ،

[۱] آنچه شما را از آن نهی کردم پس از آن بپرهیزید، [۲] و آنچه شما

را به آن امر کردم آن را انجام دهید آنچه توانایی دارید.

[۳] فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسْئَلِهِمْ وَاجْتِنَالَهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ.

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

[۳] پس قطعاً کسانی که قبل از شما بودند بسیاری پرسش‌هایشان و

اختلافشان بر پیامبرانشان [آنان را] هلاک کرد. بخاری و مسلم آن را

روایت کرده‌اند.



## الْحَدِيثُ الْعَاشِرُ:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

از ابو هريره خداوند از او راضی باد [روایت شده كه] گفت: رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمود:

[۱] إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، [۲] وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ

بِهِ الْمُرْسَلِينَ،

[۱] قطعاً خداوند متعال پاک است و جز پاکی قبول نمی کند، [۲] و قطعاً

خداوند به مومنین امر کرد به آنچه با آن پیامبران را امر کرد.

[۳] فَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾.

[۳] خداوند متعال فرمود: ﴿ای پیامبران از پاک‌ها بخورید و عمل

شایسته انجام دهید﴾.

[۴] وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾.

[۴] و خداوند متعال فرمود: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید بخورید از

پاکی‌هایی که روزی شما کرده ایم﴾.

[۵] ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ [۶] أَشْعَثَ أَعْبَرَ، يُمْدُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ:

[۷] يَا رَبِّ يَا رَبِّ،

[۵] سپس مردی را یاد کرد که سفر را طولانی می کند [۶] با موهای

ژولیده، غبارآلود، دو دستش را بسوی آسمان بلند می کند [۷] [و می گوید]:

ای پروردگار من، ای پروردگار من،

[۸] وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ، وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَعُدْيَتِي بِالْحَرَامِ، [۹] فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لَهُ؟ رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۸] و غذایش حرام است، و آشامیدنی‌اش حرام است، و لباس‌هایش حرام است، و با حرام تغذیه شده است، [۹] پس چگونه [دعایش] برایش اجابت شود؟ مسلم آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ الْخَادِي عَشْرَ:

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ سِبْطِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
وَرِجَالَتِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ:

از ابومحمد حسن بن علی بن ابی طالب نوهی رسول الله  
صلی الله علیه وسلم و کُل خوشبوی ایشان، خداوند از آن دو راضی باد  
[روایت شده که] گفت:

[۱] حَفِظْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: [۲] دَعَا مَا يَرِيئُكَ إِلَى مَا  
لَا يَرِيئُكَ. [۳] رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَالنَّسَائِيُّ، وَقَالَ التِّرْمِذِيُّ: حَدِيثٌ حَسَنٌ  
صَحِيحٌ.

[۱] از رسول الله صلی الله علیه وسلم حفظ کردم: [۲] رها کن چیزی که  
به تو را به شک می اندازد بسوی چیزی که تو را به شک نمی اندازد. [۳]  
ترمذی و نسائی آن را روایت کردند، و ترمذی گفت: حدیث حسن صحیح  
است.

## الْحَدِيثُ الثَّانِي عَشَرَ:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:  
از ابوهريره خداوند از او راضی باد [روایت شده كه] گفت: رسول الله  
صلی الله علیه وسلم فرمود:

مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْينُهُ. حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ  
وَعَبْرُهُ هَكَذَا.

از نیکی اسلام شخص است رها کردن چیزهایی که فایده‌ایی ندارد.  
حدیث حسن است. ترمذی و غیر از او اینچنین آن را روایت کرده‌اند.

### الْحَدِيثُ الثَّلَاثُ عَشَرَ:

عَنْ أَبِي حَمْرَةَ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خَادِمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از ابو حمزه انس بن مالک خداوند از او راضی باد، خدمتگزار رسول الله صلی الله علیه وسلم، از رسول الله صلی الله علیه وسلم [روایت کرده که] فرمود:  
**لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.**  
یکی از شما ایمانش کامل نمی شود تا اینکه برای برادرش دوست بدارد آنچه برای خودش دوست می دارد. بخاری و مسلم آن را روایت کرده اند.

## الْحَدِيثُ الرَّابِعُ عَشَرَ:

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:  
از ابن مسعود خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت: رسول الله  
صلی الله علیه وسلم فرمود:

- [۱] لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ إِلَّا بِإِحْدَى ثَلَاثٍ: [۲] الثَّيْبُ الرَّائِي، وَالتَّنْفُسُ  
بِالتَّنْفِسِ، [۳] وَالتَّارِكُ لِدِينِهِ الْمُفَارِقُ لِلْجَمَاعَةِ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.
- [۱] خون شخص مسلمان حلال نمی شود مگر به یکی از سه مورد: [۲]  
بیوهی زناکار، و جان در مقابل جان، [۳] و رهاکندهی دینش، جدا شونده از  
جماعت مسلمانان. بخاری و مسلم آن را روایت کرده اند.

## الْحَدِيثُ الْخَامِسُ عَشَرَ:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از ابوهريره خداوند از او راضی باد [روایت شده که] قطعاً رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

[۱] مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُقِلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ، [۲] وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ، [۳] وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُكْرِمْ صَيْفَهُ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

[۱] کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد پس خیر بگوید یا سکوت کند. [۲] و کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، پس همسایه اش را گرامی بدارد. [۳] و کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد پس میهمانش را گرامی بدارد. بخاری و مسلم آن را روایت کرده اند.

## الْحَدِيثُ السَّادِسُ عَشَرَ:

[۱] عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
أَوْصِنِي، [۲] قَالَ: لَا تَغْضَبْ [۳] فَرَدَّدَ مَرَارًا قَالَ: لَا تَغْضَبْ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.  
[۱] از ابوهریره خداوند از او راضی باد [روایت شده که] همانا شخصی  
به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: مرا وصیت کن. [۲] فرمود: خشمگین  
نشو. [۳] پس چند بار تکرار کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:  
خشمگین نشو. بخاری آن را روایت کرده است.



## الْحَدِيثُ السَّابِعُ عَشَرَ:

عَنْ أَبِي يَعْلَى شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از ابویعلی شداد بن اوس خداوند از او راضی باد، از رسول الله صلی الله علیه وسلم [روایت کرده که] فرمود:

[۱] إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، [۲] فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، [۳] وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ، [۴] وَلْيُحَدِّدْ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ، وَلْيُرِحْ ذَيْبِحَتَهُ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۱] همانا خداوند خوبی را بر همه چیز نوشته است، [۲] پس هرگاه کشتید نیکو بکشید [۳] و هرگاه ذبح کردید نیکو ذبح کنید [۴] و یکی از شما چاقویش را باید تیز کند [۵] و حیوانش را باید راحت کند. مسلم آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ الثَّامِنُ عَشْرَ:

عَنْ أَبِي ذَرِّ جُنْدُبِ بْنِ جُنَادَةَ وَأَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از ابوذر جندب بن جناده ، و ابو عبدالرحمن معاذ بن جبل خداوند از آن دو راضی باد، از رسول الله صلی الله علیه وسلم [روایت کرده اند که] فرمود:

[۱] اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، [۲] وَأَتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا، [۳] وَخَالِقِ

النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ.

[۱] هر کجا بودی از خداوند بترس، [۲] و به بدی، خوبی ملحق کن آن

را محو می کند، [۳] و با مردم با اخلاق نیک رفتار کن.

[۴] رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ، وَفِي بَعْضِ النُّسخِ: حَسَنٌ

صَحِيحٌ.

[۴] ترمذی آن را روایت کرده و گفت: حدیث حسن است، و در بعضی

از نسخه ها: حسن صحیح است.

## الْحَدِيثُ التَّاسِعُ عَشَرَ:

عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ:  
از ابوالعباس عبدالله بن عباس خداوند از آن دو راضی باد [روایت شده  
که] گفت:

[۱] كُنْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمًا فَقَالَ: [۲] يَا غُلَامُ إِنِّي  
أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ، [۳] احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظَكَ، [۴] احْفَظِ اللَّهَ تَحِدُهُ مُجَاهَكَ،  
[۱] روزی پشت سر رسول الله صلی الله علیه و سلم [سوار] بودم پس  
فرمود: [۲] ای بچه! همانا من تو را کلماتی می آموزم، [۳] خدا را حفظ کن،  
تو را حفظ می کند [۴] خدا را حفظ کن او را روبرویت می یابی.  
[۵] إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، [۶] وَإِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعْنِي بِاللَّهِ، [۷] وَأَعْلَمُ أَنَّ  
الْأُمَّةَ لَوْ اجْتَمَعَتْ [۸] عَلَى أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ، [۹] لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ  
كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ،

[۵] هرگاه طلب کردی از خداوند طلب کن، [۶] و هرگاه کمک خواستی  
از خداوند کمک بخواه، [۷] و بدان قطعا اگر امت جمع شوند [۸] بر اینکه  
تو را به چیزی نفع برسانند [۹] تو را نفع نمی رسانند مگر به چیزی که  
خداوند آن را برای تو نوشته باشد.

[۱۰] وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ، [۱۱] لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ  
كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، [۱۲] رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ [۱۳] وَجَفَّتِ الصُّحُفُ.

[۱۰] و اگر جمع شوند بر اینکه تو را به چیزی ضرر برسانند، [۱۱] تو را  
ضرر نمی رسانند مگر به چیزی که آن را خداوند برای تو نوشته باشد. [۱۲]  
قلمها بالا برده شدند [۱۳] و نامهها خشک شدند.

[۱۴] رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ، وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ. وَفِي رَوَايَةٍ غَيْرِ التِّرْمِذِيِّ: [۱۵] اخْفِظِ اللَّهَ تَجِدُهُ أَمَامَكَ.

[۱۴] ترمذی آن را روایت کرده و گفت: حدیث حسن صحیح است. و در روایت غیر از ترمذی: [۱۵] خدا را حفظ کن او را روبرویت می‌یابی.

[۱۶] تَعَرَّفَ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّحَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشِّدَّةِ، [۱۷] وَاعْلَمْ أَنَّ مَا أَخْطَأَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبِكَ، [۱۸] وَمَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ،

[۱۶] به خداوند در لذت‌ها بشناس تو را در سختی‌ها می‌شناسد [۱۷] و بدان قطعا آنچه به تو نرسید نبود تا به تو برسد [۱۸] و آنچه به تو رسید نبود که به تو نرسد.

[۱۹] وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، [۲۰] وَأَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكَرْبِ، [۲۱] وَأَنَّ مَعَ الْغُسْرِ يُسْرًا.

[۱۹] بدان ، قطعا یاری همراه صبر است [۲۰] و قطعا گشایش همراه سختی است [۲۱] و قطعا همراه سختی آسانی است.

## الْحَدِيثُ الْعَشْرُونَ:

عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ عُقْبَةَ بْنِ عَمْرٍو الْأَنْصَارِيِّ الْبَدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ:  
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

از ابومسعود عقبه بن عمرو انصاری بدری خداوند از او راضی باد [روایت  
شده که] گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبِيِّ الْأُولَى: إِذَا لَمْ تَسْتَحْ، فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ.  
رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

همانا آنچه از سخن پیامبران پیشین به مردم رسید: اگر حیا نکردی  
آنچه خواستی انجام بده. بخاری آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ الْحَادِي وَالْعِشْرُونَ:

عَنْ أَبِي عَمْرٍو - وَقِيلَ أَبِي عَمْرَةَ - سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ،  
قَالَ:

از ابوعمر و - و گفته شده ابوعمره - سفیان بن عبدالله خداوند از او  
راضی باد [روایت شده که] گفت:

[۱] قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، [۲] قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا  
غَيْرَكَ، [۳] قَالَ: قُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ، ثُمَّ اسْتَقِمَّ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۱] گفتم: ای رسول خدا [۲] به من در اسلام چیزی بگو که از آن،  
کسی غیر از تو نپرسم. [۳] فرمود: بگو به خداوند ایمان آوردم، سپس  
استقامت کن. مسلم آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ الثَّانِي وَالْعِشْرُونَ:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا:  
از ابوعبدالله جابر بن عبد الله أنصاری خداوند از آن دو راضی باد [روایت  
شده که] گفت:

[۱] أَنْ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: [۲] أَرَأَيْتَ إِذَا  
صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَاتِ، [۳] وَصُمْتُ رَمَضَانَ، [۴] وَأَخَلَّيْتُ الْحَلَالَ، [۵] وَحَرَمْتُ  
الْحُرَامَ،

[۱] همانا مردی از رسول الله صلى الله عليه وسلم سوال کرد، پس گفت:  
[۲] مرا خبر بده، هرگاه نمازهای فرض گزاردم، [۳] و رمضان را روزه گرفتم  
[۴] و حلال را حلال دانستم، [۵] و حرام را حرام دانستم،

[۶] وَمَ أَرَدُ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا، [۷] أَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: نَعَمْ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.  
[۶] و بر آن چیزی زیاد نکردم [۷] آیا داخل بهشت می شوم؟ فرمود:  
بله. مسلم آن را روایت کرده است.

[۸] وَمَعْنَى حَرَمْتُ الْحُرَامَ: اجْتَنَبْتُهُ. [۹] وَمَعْنَى أَخَلَّيْتُ الْحَلَالَ: فَعَلْتُهُ  
مُعْتَقِدًا حِلَّهُ.

[۸] و معنای حرام را حرام دانستم؛ از آن دوری ورزیدم. [۹] و معنای  
حلال را حرام دانستم؛ با اعتقاد به حلال بودن آن، آن را انجام دادم.

## الْحَدِيثُ الثَّالِثُ وَالْعِشْرُونَ:

عَنْ أَبِي مَالِكٍ - الْحَارِثِ بْنِ عَاصِمٍ - الْأَشْعَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

از ابومالک - حارث بن عاصم - اشعری خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

[۱] الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ، [۲] وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ الْمِيزَانَ، [۳] وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمْلَأُ أَوْ تَمْلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ،

[۱] پاکیزگی نصف ایمان است. [۲] و الحمد لله میزان را پر می کند. [۳] و سبحان الله و الحمد لله پر می کنند - یا پر می کند - آنچه بین آسمان و زمین است.

[۴] وَالصَّلَاةُ نُورٌ، [۵] وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ، [۶] وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، [۷] وَالْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ،

[۴] و نماز نور است، [۵] و صدقه دلیل [ایمان داری] است، [۶] و صبر روشنایی است، [۷] و قرآن دلیلی برای تو یا بر علیه توست.

[۸] كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو، فَبَاعَ نَفْسَهُ، فَمَعَتَقَهَا أَوْ مُوَبَّقَهَا. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۸] تمامی مردم صبحگاه می روند، پس فروشنده‌ی وجودش [به خداوند، یا] آزاد کننده‌ی آن یا هلاک کننده‌ی آن است. مسلم آن را روایت کرده است.



## الْحَدِيثُ الرَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ:

عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيمَا يَرُويهِ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنَّهُ قَالَ:

از ابوذر غفاری خداوند از او راضی باد از رسول الله صلی الله علیه وسلم [روایت شده] در آنچه آن را از پروردگارش عزوجل روایت می کند، همانا او فرمود:

[۱] يَا عِبَادِي إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي [۲] وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا فَلَا تَظَالُمُوا، [۳] يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ ضَالٌّ [۴] إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ، [۵] يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ جَائِعٌ [۶] إِلَّا مَنْ أَطْعَمْتُهُ فَاسْتَطْعَمُونِي أَطْعِمْكُمْ،

[۱] ای بندگانم! همانا من ظلم را بر خود حرام کردم [۲] و آن را بین شما حرام قرار دادم، پس به یکدیگر ظلم نکنید [۳] ای بندگانم! همه‌ی شما گمراهید [۴] مگر کسی که من او را هدایت کنم، پس از من طلب هدایت کنید [تا] شما را هدایت کنم [۵] ای بندگانم! همه‌ی شما گرسنه‌اید [۶] مگر کسی که من او را غذا دهم، پس از من طلب غذا کنید [تا] شما را غذا دهم.

[۷] يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ عَارٍ [۸] إِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ [۹] فَاسْتَكْسُونِي أَكْسُكُمْ، [۱۰] يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالتَّهَارِ [۱۱] وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا [۱۲] فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ،

[۷] ای بندگانم! همه‌ی شما برهنه‌اید [۸] مگر کسی که من او را بپوشانم [۹] پس از من طلب پوشاک کنید [تا] شما را بپوشانم [۱۰] ای بندگانم، قطعاً شما در شب و روز خطا می‌کنید [۱۱] و من تمامی گناهان را می‌آمرزم [۱۲] پس از من طلب آمرزش کنید [تا] شما را بیامرمزم.

[۱۳] يَا عِبَادِي إِنَّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا صُرِّي فَتَضُرُّونِي [۱۴] وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي، [۱۵] يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ [۱۶] كَانُوا عَلَى أَتَقَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ [۱۷] مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا،

[۱۳] ای بندگانم! قطعاً شما به [مرحله‌ی] ضرر رساندن به من نمی‌رسید، که مرا ضرر برسانید [۱۴] و به [مرحله‌ی] نفع رساندن به من نمی‌رسید، که مرا نفع برسانید [۱۵] ای بندگانم! قطعاً اگر اولین شما، و آخرین شما، و انس شما، و جن شما [۱۶] بر پرهیزکارترین قلب یک فرد از شما باشند [۱۷] آن در مُلک من چیزی را زیاد نمی‌کند.

[۱۸] يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ [۱۹] كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ [۲۰] مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا،

[۱۸] ای بندگانم! قطعاً اگر اولین شما، و آخرین شما، و انس شما، و جن شما [۱۹] بر فاجرترین قلب یک فرد از شما باشند [۲۰] آن از مُلک من چیزی کم نمی‌کند.

[۲۱] يَا عِبَادِي لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَآخِرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ [۲۲] قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي [۲۳] فَأَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مَسْأَلَتَهُ [۲۴] مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي [۲۵] إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمَخِيطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ،

[۲۱] ای بندگانم! اگر قطعاً اولین شما و آخرین شما و انس شما و جن شما [۲۲] در یک زمینی بایستند، پس از من طلب کنند [۲۳] پس به هر نفر خواسته‌اش را عطا کنم [۲۴] آن، از آنچه که نزد من است کم نمی‌کند [۲۵] مگر آن مقداری که سوزن [از آب دریا] کم می‌کند آن‌گاه به دریا داخل کرده شد.

[۲۶] يَا عِبَادِي إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ: [۲۷] أُحْصِيهَا لَكُمْ ثُمَّ أُوْفِيكُمْ بِهَا،  
[۲۸] فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.  
رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۲۶] ای بندگانم! قطعاً آن اعمالتان است [۲۷] آن را برای شما  
می‌شمارم، سپس آن را به شما کامل می‌دهم [۲۸] پس کسی که خوبی  
یافت، باید حمد خدای را بجا آورد [۲۹] و کسی که غیر از آن یافت، پس  
سرزنش نکند مگر خودش را. مسلم آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ الْخَامِسُ وَالْعِشْرُونَ:

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَيْضًا:

از ابوذر خداوند از او راضی باد همچنين [روایت شده که]:

[۱] أَنْ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوا لِلنَّبِيِّ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ [۲] ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالْأَجُورِ،

[۱] همانا مردمی از یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم به نبی اکرم

صلی الله علیه وسلم گفتند: ای رسول خدا! [۲] ثروتمندان پاداش‌ها را بردند.

[۳] يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي، [۴] وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، [۵] وَيَتَصَدَّقُونَ

بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ، [۶] قَالَ: أَوْلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُونَ؟

[۳] نماز می‌خوانند همان گونه که ما نماز می‌خوانیم [۴] و روزه می‌گیرند

همان طوری که ما روزه می‌گیریم [۵] و به زیادی مال‌هایشان صدقه

می‌دهند [۶] فرمود: آیا [چنین] نیست که خداوند برای شما چیزی را قرار

داد که صدقه بدهید؟

[۷] إِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، [۸] وَكُلِّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، [۹] وَكُلِّ

تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، [۱۰] وَكُلِّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، [۱۱] وَأَمْرٍ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، [۱۲]

وَنَهْيٍ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ،

[۷] قطعاً برای شما به هر سبحان الله صدقه است، [۸] و هر الله اکبر

صدقه است، [۹] و هر الحمد لله صدقه است، [۱۰] و هر لا إله إلا الله

صدقه است، [۱۱] و امر به معروف کردن صدقه است، [۱۲] و نهی از منکر

کردن صدقه است،

[۱۳] وَفِي بُضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ [۱۴] قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيَأْتِي أَحَدُنَا شَهْوَتُهُ وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا أَجْرٌ؟

[۱۳] و در شرمگاه هر یک از شما صدقه است، [۱۴] گفتند: ای رسول خدا، آیا یکی از ما شهوتش را می‌آورد و برای او در آن اجر می‌باشد؟  
[۱۵] قَالَ: أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ، أَكَانَ عَلَيْهِ وِزْرٌ؟ [۱۶] فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۱۵] فرمود: مرا خبر دهید اگر آن را در حرام گذاشت آیا برای او گناهی است؟ [۱۶] پس همچنین هرگاه آن را در حلال گذاشت برای او اجر است. مسلم آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ السَّادِسُ وَالْعِشْرُونَ:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:  
از ابوهريره خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت: رسول الله  
صلی الله علیه وسلم فرمود:

[۱] كُلُّ سَلَامِي مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ، [۲] كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ،  
[۳] تَعْدِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، [۴] وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ [۵] فَتَحْمِلُهُ عَلَيْهَا [۶]  
أَوْ تَرْفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ،

[۱] هر مفصلی از [بدن] مردم بر آن صدقه است [۲] هر روزی که در  
آن خورشید طلوع می کند، [۳] بین دو نفر عدالت می کنی صدقه است [۴] و  
شخصی را در حیوانش کمک می کنی [۵] پس او را بر آن حمل می کنی  
[۶] یا کالایش را بر آن [حیوان] برایش بلند می کنی صدقه است.

[۷] وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، [۸] وَبِكُلِّ خُطْوَةٍ تَمْشِيهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ،  
[۹] وَثَمِيطُ الْأَدَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ.

[۷] و سخن نیک صدقه است [۸] و به هر گامی که آن را بسوی نماز  
بر می داری صدقه است [۹] و چیزی را که مورد اذیت است، از راه بر می  
داری صدقه است. بخاری و مسلم آن را روایت کرده اند.

## الْحَدِيثُ السَّابِعُ وَالْعِشْرُونَ:

عَنِ النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از نواس بن سمعان خداوند از او راضی باد، از نبی اکرم صلی الله علیه و سلم [روایت شده که] فرمود:

[۱] الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ، [۲] وَالْإِيمَةُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ [۳] وَكَرِهَتْ أَنْ يَطَّلِعَ عَلَيْهِ

النَّاسُ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۱] نیکی خوش اخلاقی است [۲] و گناه، آنچه در وجودت اثر کند [۳] و

ناپسند بدانی که مردم بر آن آگاه شوند. مسلم آن را روایت کرده است.

[۴] وَعَنْ وَابِصَةَ بْنِ مَعْبُدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمْتُ فَقَالَ: [۵] جِئْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْبِرِّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ،

[۴] و از وابصه بن معبد خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت: [نزد]

رسول الله صلی الله علیه و سلم آمدم پس فرمود: [۵] آمده ای از نیکی بپرسی؟  
گفتم: بله.

[۶] قَالَ: اسْتَفْتِ قَلْبَكَ، [۷] الْبِرُّ مَا أَطْمَأَنَّتْ إِلَيْهِ النَّفْسُ، [۸] وَأَطْمَأَنَّ إِلَيْهِ

الْقَلْبُ، [۹] وَالْإِيمَةُ مَا حَاكَ فِي النَّفْسِ، [۱۰] وَتَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ، [۱۱] وَإِنْ أَفْتَاكَ

النَّاسُ وَأَفْتَوْكَ.

[۶] فرمود: از قلبت بپرس [۷] نیکی چیزی است که نفس بسویش آرامش

بگیرد [۸] و قلب بسویش آرامش بگیرد [۹] و گناه، آنچه که در وجودت اثر کند

[۱۰] و در سینه شک و تردید ایجاد کند [۱۱] و اگر چه مردم تو را فتوا دهند و

تو را فتوا داده باشند.

[۱۲] حَدِيثٌ حَسَنٌ. رَوَيْتَاهُ فِي مُسْنَدِي الْإِمَامَيْنِ: أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ وَ الدَّارِمِيَّ

بِإِسْنَادٍ حَسَنٍ.

[۱۲] حدیث حسن است. آن را در مسند دو امام: احمد بن حنبل و دارمی به

اسناد حسن روایت کردیم.

## الْحَدِيثُ الثَّامِنُ وَالْعِشْرُونَ:

عَنْ أَبِي نَجِيحٍ الْعُرْبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:

از ابو نجیح عرباض بن ساریه خداوند از او راضی باد [روایت شده که]

گفت:

[۱] وَعَظَّنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [۲] مَوْعِظَةً وَجَلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ،

[۳] وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُيُونُ،

[۱] رسول الله صلى الله عليه وسلم ما را پند داد [۲] پندی که قلبها از

آن ترسیدند [۳] و چشمها از آن، اشک ریختند.

[۴] فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَأَنَّهَا مَوْعِظَةٌ مُودِعٌ، فَأَوْصِنَا، [۵] قَالَ: أَوْصِيكُمْ

بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ، [۶] وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ،

[۴] پس گفتیم: ای رسول خدا! گویا این پند خداحافظی است پس ما را

وصیت کن. [۵] فرمود: شما را به تقوای خداوند و شنیدن و اطاعت کردن

وصیت می‌کنم [۶] و اگر چه بنده‌ای بر شما امیر شود.

[۷] فَإِنَّهُ مَنْ يَعِشْ مِنْكُمْ فَسِيرَىٰ اخْتِلَافًا كَثِيرًا، [۸] فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ

الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّدِينَ، [۹] عَصُوا عَلَيْهَا بِالتَّوَجُّدِ،

[۷] پس قطعا کسی از شما که زندگی کند [عمر کند] پس اختلاف

زیادی می‌بیند [۸] پس راه و روش من و راه و روش خلفای راشدین

هدایت یافته بگیرید. [۹] با دندانهای آسیاب بر آن گاز بزنید.

[۱۰] وَإِبَائِكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، [۱۱] فَإِنَّ كُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ. رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَ

الترمذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

[۱۰] و شما را از بدعت‌های امور برحذر می‌دارم [۱۱] پس همانا هر

بدعتی گمراهی است. ابوداود و ترمذی آن را روایت کرده‌اند و [ترمذی]

گفت: حدیث حسن صحیح است.



## الْحَدِيثُ التَّاسِعُ وَالْعِشْرُونَ:

عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ،

از معاذ بن جبل خداوند از او راضی باد - [روایت شده که] گفت: گفتیم ای رسول خدا،

[۱] أَحْبَبَ إِلَيَّ بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ وَيُبَاعِدُنِي عَنِ النَّارِ، [۲] قَالَ: لَقَدْ سَأَلْتَ

عَنْ عَظِيمٍ، [۳] وَإِنَّهُ لَيَسِّرُ عَلَيَّ مَنْ يَسِّرُهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ:

[۱] مرا به کاری خبر بده [که] مرا به بهشت داخل می کند و مرا از آتش

جهنم دور می سازد، [۲] فرمود: همانا از [چیز] بزرگی پرسیدی. [۳] و همانا

آن آسان است بر کسی که خداوند متعال بر او آسان بگرداند:

[۴] تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ

رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ، [۵] ثُمَّ قَالَ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَيْرِ؟

[۴] خداوند را عبادت می کنی و چیزی را به او شریک قرار نمی دهی، و

نماز را برپا می داری، و زکات می دهی، و رمضان را روزه می گیری، و حج

خانهی خدا بجا می آوری، [۵] سپس فرمود: آیا تو را بر درهای خیر

راهنمایی کنم؟

[۶] الصَّوْمُ جَنَّةٌ، [۷] وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْحَطِيبَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ [۸]

وَصَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ [۹] ثُمَّ تَلَا ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ... حَتَّىٰ بَلَغَ يَعْْمَلُونَ﴾.

[۶] روزه سپر است، [۷] و صدقه گناهان را خاموش می کند همان گونه

که آب آتش را خاموش می کند. [۸] و نماز شخص در دل شب [۹] سپس

تلاوت کرد: ﴿پهلوهایشان از بسترها دور می شود... تا اینکه به "يَعْمَلُونَ" رسید﴾.

رسید ﴿

[۱۰] ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ وَعَمُودِهِ وَذُرْوَةِ سَنَامِهِ؟ [۱۱] قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، [۱۲] قَالَ: رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ، وَذُرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ.

[۱۰] سپس فرمود: آیا تو را به اساس کار و ستون آن و بلندی کوهان آن خبر ندهم؟ [۱۱] گفتم: بله ای رسول خدا [۱۲] فرمود: اساس کار اسلام است، و ستون آن نماز است، و بلندی کوهان آن جهاد است.  
[۱۳] ثُمَّ قَالَ: أَلَا أُخْبِرُكَ بِمِثْلِكَ ذَلِكَ كُلِّهِ؟ [۱۴] فَقُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، [۱۵] فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَقَالَ: كُفَّ عَيْنِكَ هَذَا.

[۱۳] سپس فرمود: آیا تو را به تمامی معیارهای آن خبر ندهم؟ [۱۴] پس گفتم: بله، ای رسول خدا [۱۵] پس زبانش را گرفت و فرمود: این را بر خود نگه دار.

[۱۶] قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، وَإِنَّا لَمُؤَاخِدُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ [۱۷] فَقَالَ: ثَكَلْتِكَ أُمَّتُكَ، وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ - أَوْ قَالَ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ - إِلَّا خَصَائِدَ أَلْسِنَتِهِمْ؟ [۱۸] رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ: حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

[۱۶] گفتم: ای نبی خدا، و همانا ما به آنچه سخن می‌گوییم مؤاخذه می‌شویم؟ [۱۷] فرمود: مادرت به داغت بنشیند، و آیا مردم را در آتش جهنم بر چهره‌هایشان - یا فرمود: بر بینی‌هایشان - می‌اندازد مگر درو شده‌ی زبان‌هایشان؟ [۱۸] ترمذی روایت کرده و گفت: حدیث حسن صحیح است.

## الْحَدِيثُ الثَّلَاثُونَ:

عَنْ أَبِي ثَعْلَبَةَ الْحَشَنِيِّ، جُرْثُومِ بْنِ نَاشِرِ رَضِيِّ اللَّهِ عَنْهُ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از ابی ثعلبه خشنی، جرثوم بن ناشر خداوند از او راضی باد، از رسول الله صلی الله علیه وسلم [روایت کرده که] فرمود:

[۱] إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا، [۲] وَحَدَّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا، [۳] وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا،

[۱] همانا خداوند متعال واجبات را فرض کرده پس آنها را ضایع نکنید  
[۲] و حدود را مشخص کرده پس از آن تعدی و تجاوز نکنید [۳] و چیزهایی را حرام کرده پس حرمت آن را از بین نبرید.

[۴] وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ رَحْمَةً لَكُمْ غَيْرَ نَسْيَانٍ فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا. [۵] حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ الدَّارُ قُطَيْبِيُّ وَغَيْرُهُ.

[۴] و [بخاطر] مهربانی به شما از چیزهایی سکوت کرد نه از فراموشی، پس جستجوی آن نکنید [۵] حدیث حسن است، آن را دارقطنی و غیر از او روایت کرده‌اند.

## الْحَدِيثُ الْحَادِي وَالثَّلَاثُونَ:

عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ، سَهْلِ بْنِ سَعْدِ السَّاعِدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:

از ابوالعباس، سهل بن سعد ساعدی خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت:

[۱] جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: [۲] يَا رَسُولَ اللَّهِ،

دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِي اللَّهُ وَأَحَبَّنِي النَّاسُ،

[۱] مردی بسوی پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد پس گفت: [۲] ای

رسول خدا، مرا به کاری راهنمایی کن هرگاه آن را انجام دهم خداوند مرا دوست داشته باشد و مردم مرا دوست داشته باشند.

[۳] فَقَالَ: إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ، [۴] وَأَزْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبُّكَ

النَّاسُ [۵] حَدِيثٌ حَسَنٌ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهَ وَغَيْرُهُ بِإِسْنَادٍ حَسَنَةٍ.

[۳] پس فرمود: در دنیا زاهد باش، خداوند تو را دوست می‌دارد، [۴] و

در آنچه نزد مردم است زاهد باش، مردم تو را دوست می‌دارند [۵] حدیث حسن است، ابن ماجه و غیر از او با سندهای حسن آن را روایت کرده‌اند.

## الْحَدِيثُ الثَّانِي وَالثَّلَاثُونَ:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، سَعْدِ بْنِ سِنَانَ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از ابوسعید، سعد بن سنان خدری خداوند از او راضی باد [روایت شده که] همانا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

[۱] لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ. [۲] حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَالذَّارِقُطِيُّ وَغَيْرُهُمَا مُسْنَدًا،

[۱] ضرر رساندن [به خود] و ضرر رساندن [به دیگران، جایز] نیست.

[۲] حدیث حسن است، ابن ماجه و دارقطنی و غیر از این دو آن را مسند روایت کرده اند،

[۳] وَرَوَاهُ مَالِكٌ فِي الْمَوْطِئِ مُرْسَلًا عَنْ عَمْرِو بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، [۴] فَاسْقَطَ أَبُو سَعِيدٍ، وَلَهُ طُرُقٌ يَقْوَى بَعْضُهَا بَعْضًا.

[۳] و مالک در موطا آن را از عمرو بن یحیی از پدرش از رسول الله

صلی الله علیه وسلم مرسل روایت کرده، [۴] پس ابوسعید را ساقط کرده است. و برای آن طرقی است که بعضی از آنها بعضی دیگر را تقویت می کنند.

### الْحَدِيثُ الثَّلَاثُ وَالْتَلَاثُونَ:

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:  
از ابن عباس خداوند از آن دو راضی باد [روایت شده که] همانا رسول  
الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

[۱] لَوْ يُعْطَى النَّاسُ بِدَعْوَاهُمْ [۲] لَادَّعَى رِجَالٌ أَمْوَالَ قَوْمٍ وَدِمَاءَهُمْ [۳]  
لَكِنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى الْمُدَّعِي [۴] وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ.

[۱] اگر مردم با ادعاهایشان داده می‌شدند [۲] اشخاصی اموال و  
خون‌های عده‌ای را ادعا می‌کردند [۳] اما شاهد و گواه بر ادعاکننده است  
[۴] و قسم بر کسی است که انکار می‌کند.

[۵] حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ وَغَيْرُهُ هَكَذَا، وَبَعْضُهُ فِي الصَّحِيحَيْنِ.  
[۵] حدیث حسن است، بیهقی و غیر از او این چنین روایت کرده‌اند، و  
بعضی از آن در دو صحیح [بخاری و مسلم] است.

## الْحَدِيثُ الرَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:

از ابو سعید خدری خداوند متعال از او راضی باد [روایت شده که] فرمود:  
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

شنیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

[۱] مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ [۲] فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ [۳] فَإِنْ

لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ [۴] وَذَلِكَ أَوْعَفُ الْإِيمَانِ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۱] اگر کسی از شما کار زشتی را دید پس آن را با دستش تغییر دهد

[۲] پس اگر نتوانست، پس با زبانش [۳] پس اگر نتوانست، پس با قلبش

[۴] و این ضعیف ترین ایمان است. مسلم آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ الْخَامِسُ وَالثَّلَاثُونَ:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:  
از أبوهریره خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت: رسول الله  
صلی الله علیه وسلم فرمود:

[۱] لَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَنَاجَشُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا، [۲] وَلَا يَبِيعُ  
بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ [۳] وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا

[۱] به یکدیگر حسادت نورزید، و با توطئه و تعریف توسط شخص  
ثالث، قیمت کالایی را بالا نبرید، و به یکدیگر خشم نگیرید، و به یکدیگر  
پشت نکنید، [۲] و بعضی از شما بر معامله‌ی دیگری معامله نکند، [۳] ای  
بندگان خدا! برادر یکدیگر باشید

[۴] الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ: [۵] لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَجْدُلُهُ، وَلَا يَكْذِبُهُ، وَلَا يَحْفَرُهُ  
[۶] التَّقْوَى هَهُنَا - وَيُشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ -

[۴] مسلمان برادر مسلمان است: [۵] به او ظلم نمی‌کند، و او را خوار و  
ذلیل نمی‌کند، و به او دروغ نمی‌گوید، و او را حقیر نمی‌کند [۶] تقوا  
اینجاست - و سه بار به سینه‌اش اشاره فرمود -

[۷] بِحَسَبِ امْرِيٍّ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْفَرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، [۸] كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى  
الْمُسْلِمِ حَرَامٌ: [۹] دَمُهُ وَمَالُهُ وَعَرَضُهُ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ.

[۷] به بد بودن شخص کافی است که برادر مسلمانش را تحقیر کند  
[۸] تمام مسلمان بر مسلمان حرام است: [۹] خونس و مالش و آبرویش.  
مسلم آن را روایت کرده است.



## الْحَدِيثُ السَّادِسُ وَالثَّلَاثُونَ:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:  
از ابوهریره خداوند از او راضی باد، از نبی اکرم صلی الله علیه وسلم  
[روایت کرده که] فرمود:

[۱] مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، [۲] نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ  
كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، [۳] وَمَنْ يَسَّرَ عَلَيَّ مُعْسِرٍ، [۴] يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ،

[۱] کسی که از مؤمنی دشواری از دشواری های دنیا برطرف سازد [۲]  
خداوند از او دشواری از دشواری های روز قیامت برطرف می سازد [۳]  
و کسی که بر ناتوانی آسان گیرد، [۴] خداوند بر او در دنیا و آخرت آسان  
می گیرد.

[۵] وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، [۶] وَاللَّهُ فِي عَوْنِ  
الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ،

[۵] و کسی که مسلمانی را بپوشاند خداوند او را در دنیا و آخرت  
می پوشاند [۶] و خداوند در یاری بنده است، تا وقتی که بنده در یاری  
برادرش باشد.

[۷] وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، [۸] سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى  
الْجَنَّةِ،

[۷] و کسی که راهی را در پیش گرفت که در آن علم را طلب کند [۸]  
به سبب آن، خداوند راهی بسوی بهشت برایش آسان می سازد.

[۹] وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، [۱۰] يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ  
وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ، [۱۱] إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ،

[۱۰] و گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خداوند جمع نمی‌شوند، [که]  
کتاب خداوند را تلاوت می‌کنند و آن را میان خود مدارس می‌نمایند [۱۱]  
مگر بر آنان آرامش نازل می‌شود،

[۱۲] وَعَشِيَّتُهُمُ الرَّحْمَةُ، [۱۳] وَحَقَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ، [۱۴] وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ  
عِنْدَهُ، [۱۵] وَمَنْ بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ. رَوَاهُ مُسْلِمٌ بِهَذَا اللَّفْظِ.

[۱۲] و رحمت آنان را می‌پوشاند، [۱۳] و فرشتگان آنان را احاطه  
می‌کنند، [۱۴] و خداوند در [میان] کسانی که نزدش هستند آنان را یاد  
می‌کند. [۱۵] و کسی که عملش او را به عقب انداخت، نسبش او را به جلو  
نمی‌اندازد. مسلم آن را با این لفظ روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ السَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيمَا يَرُويهِ عَنْ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ:

از ابن عباس خداوند متعال از آن دو راضی باد، از رسول الله صلی الله علیه و سلم در آنچه از پروردگارش تبارک و تعالی روایت می کند فرمود:

[۱] إِنْ اللَّهُ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ، [۲] ثُمَّ بَيَّنَّ ذَلِكَ: فَمَنْ هُمْ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً،

[۱] همانا خداوند نیکی ها و بدی ها را نوشته است [۲] سپس آن را بیان کرده است: پس کسی که به یک نیکی قصد کرد، و آن را انجام نداد خداوند آن را نزدش نیکی کامل می نویسد.

[۳] وَإِنْ هُمْ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضَعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ،

[۳] و اگر آن را قصد کرد و آن را انجام داد، خداوند آن را نزدش ده نیکی تا هفتصد برابر تا چندین برابر بیشتر می نویسد.

[۴] وَإِنْ هُمْ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، [۵] وَإِنْ هُمْ بِهَا فَعَمِلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ وَمُسْلِمٌ فِي صَحِيحَيْهِمَا بِهَذِهِ الْحُرُوفِ.

[۴] و اگر به یک گناهی قصد کرد و آن را انجام نداد، خداوند آن را نزدش یک نیکی کامل می نویسد، [۵] و اگر آن را قصد کرد، پس آن را انجام داد، خداوند آن را یک گناه می نویسد. بخاری و مسلم در دو صحیح خود با این حروف روایت کرده اند.

[۶] فَانظُرْ يَا أَحْيَى وَفَقْنَا اللَّهَ وَإِيَّاكَ إِلَى عَظِيمِ لُطْفِ اللَّهِ تَعَالَى [۷] وَتَأَمَّلْ هَذِهِ الْأَلْفَافَ. [۸] وَقَوْلُهُ: «عِنْدَهُ» إِشَارَةٌ إِلَى الْإِعْتِنَاءِ بِهَا.

[۶] پس ای برادرم! - خداوند ما و شما را توفیق دهد - به بزرگی لطف خداوند متعال نظر انداز [۷] و به این الفاظ دقت کن [۸] و فرموده‌ی ایشان: «نزدش» اشاره به اهمیت آن است.

[۹] وَقَوْلُهُ «كَامِلَةً» لِلتَّكْيِيدِ وَشِدَّةِ الْإِعْتِنَاءِ بِهَا. [۱۰] وَقَالَ: فِي السَّيِّئَةِ الَّتِي هَمَّ بِهَا ثُمَّ تَرَكَهَا: كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، فَأَكَّدَهَا بِكَامِلَةٍ.

[۹] و فرموده‌ی ایشان: «کامل» برای تاکید و شدت اهمیت آن است. [۱۰] و فرمود: در گناهی که به آن قصد کرد سپس آن را ترک کرد: خداوند آن را نزدش یک نیکی کامل می‌نویسد، پس به «کامل» آن را تاکید کرد.

[۱۱] وَإِنْ عَمِلَهَا كَتَبَهَا سَيِّئَةً وَاحِدَةً، [۱۲] فَأَكَّدَ تَقْلِيلَهَا بِوَاحِدَةٍ وَمُؤَكَّدَهَا بِكَامِلَةٍ،

[۱۱] و اگر آن را انجام داد آن را یک گناه می‌نویسد [۱۲] پس کم بودن آن را به «یکی» تاکید کرد و آن را به «کامل» تاکید نکرد.

[۱۳] فَلِلَّهِ الْحَمْدُ وَالْمِنَّةُ سُبْحَانَهُ لَا تُحْصَى ثَنَاءً عَلَيْهِ. وَبِاللَّهِ التَّوْفِيقُ.

[۱۳] پس حمد و منت برای خداوندی است که پاک و منزّه است و ثنای او را نمی‌توانیم برشماریم. و توفیق دادن با خداوند است.

## الْحَدِيثُ الثَّامِنُ وَالثَّلَاثُونَ:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ:

از ابوهریره خداوند از او راضی باد [روایت شده که] گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: همانا خداوند متعال فرمود:

[۱] مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، [۲] وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ،

[۱] کسی که با دوستم دشمنی کند پس قطعاً با او اعلام جنگ کردم  
[۲] و بندهام به چیزی که دوست‌داشتنی‌تر باشد به نزد من، بسویم تقرب نجسته است از آن چیزهایی که بر او فرض گردانیدم.

[۳] وَلَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ،

[۳] و پیوسته بندهام با سنت‌ها بسویم تقرب می‌جوید، تا اینکه او را دوست می‌دارم،

[۴] فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا،

[۴] پس هرگاه او را دوست داشتیم، می‌باشم شنوایی‌اش که با آن می‌شنود، و بینایی‌اش که با آن می‌بیند، و دستش که با آن بلند می‌کند، و پایش که با آن می‌رود،

[۵] وَلَئِنْ سَأَلَنِي لِأَعْطَيْتَهُ، [۶] وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيدَنَّهُ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

[۵] و اگر از من طلب کرد قطعاً به او می‌دهم [۶] و اگر به من پناه جست قطعاً او را پناه می‌دهم. بخاری آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ التَّاسِعُ وَالثَّلَاثُونَ:

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

از ابن عباس خداوند از آن دو راضی باد [روایت شده که] گفت: همانا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

[۱] إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِي عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنِّسْيَانَ، [۲] وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ.

[۱] قطعاً خداوند بخاطر من اشتباه و فراموشی را از امت من در گذشته است، [۲] و آنچه بر آن اجبار شده باشند.

[۳] حَدِيثٌ حَسَنٌ، رَوَاهُ ابْنُ مَاجَةَ وَالْبَيْهَقِيُّ وَغَيْرُهُمَا.

[۳] حدیث حسن است، ابن ماجه و بیهقی و غیر از این دو، آن را روایت کرده‌اند.

## الْحَدِيثُ الْأَرْبَعُونَ:

عَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ:

از ابن عمر خداوند از آن دو راضی باد [روایت شده که] گفت:

[۱] أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَنْكِبِي فَقَالَ: [۲] كُنْ فِي الدُّنْيَا

كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرٌ سَبِيلٍ. [۳] وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ:

[۱] رسول الله صلی الله علیه و سلم دو دوشم را گرفت پس فرمود: [۱] در

دنیا [چنان] باش گویا غریب یا رهگذری [۳] و ابن عمر خداوند از آن دو

راضی باد می گفت:

[۴] إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تَنْتَظِرِ الصَّبَاحَ، [۵] وَإِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تَنْتَظِرِ

الْمَسَاءَ، [۶] وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ. رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ.

[۴] هرگاه شب کردی پس منتظر صبح نباش، [۵] و هرگاه صبح

کردی پس منتظر شب نباش، [۶] و از تندرستی ات برای بیماری ات و از

زندگی ات برای مرگت بگیر. بخاری آن را روایت کرده است.

## الْحَدِيثُ الْخَادِي وَالْأَرْبَعُونَ:

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

از ابومحمد عبدالله بن عمرو بن عاص خداوند از آن دو راضی باد [روایت شده که] گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ.

یکی از شما ایمان نمی آورد، تا اینکه خواسته هایش تابع چیزی باشد که من آن را آورده ام.

حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ، رَوَيْنَاهُ فِي كِتَابِ الْحُجَّةِ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ.

حدیث حسن صحیح است، در کتاب الحجة با اسناد صحیح آن را روایت کرده ایم.



## الْحَدِيثُ الثَّانِي وَالرَّبْعُونَ:

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ:

از انس خداوند از او راضی باد، [روایت شده که] گفتم: شنیدم رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

[۱] قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ، [۲] إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي، [۳]

غَفَرْتُ لَكَ عَلَيَّ مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا أَبَاي.

[۱] خداوند متعال فرمود: ای فرزند آدم! [۲] قطعاً تا وقتی که مرا

بخوانی و به من امید داشته باشی، [۳] برایت می آمرزم بر چیزی که از تو [سر زده] بود و اهمیتی نمی دهم.

[۴] يَا ابْنَ آدَمَ، لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي، غَفَرْتُ

لَكَ

[۴] ای فرزند آدم! اگر گناهانت به اوج آسمان برسد سپس از من

آمرزش بخواهی، [گناهان را] برایت می آمرزم،

[۵] يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقَرَابِ الْأَرْضِ حَطَايَا، [۶] ثُمَّ لَقَيْتَنِي لَا

تُشْرِكُ بِي شَيْئًا، لِأَتَيْتَكَ بِقَرَابِهَا مَغْفِرَةً. رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

[۵] ای فرزند آدم! قطعاً تو اگر به پُری زمین با گناه نزد من بیایی [۶] سپس

با من ملاقات کنی [در حالی که] به من چیزی شریک قرار ندهی به پُری آن به نزدت با آمرزش می آیم. ترمذی آن را روایت کرده و گفته است:

حدیث حسن صحیح است.

